

مقدمه	۹
جادوی بچه‌ها	۱۳
صدای پای مورچه	۲۷
چشم‌هایش	۴۱
قالیچه دست‌بافت	۳۱
گدن بند مادر	۵۳
لا رودکی	۶۷
کوشه ماهو	۷۷
آواز انقلاب	۸۵
هارمونی نظام	۹۵
یاما‌های سفید	۱۰۷
نوارهای سوخته	۱۱۹
ملودی بی‌قراری	۱۳۱
صدای پرکوب	۱۴۱
قهر مادر	۱۵۹
قول دروغ	۱۷۱
جامه‌دران	۱۸۳
گام آخر	۱۹۹

هر چه بیشتر زندگی میدرضا نظام را کاویدم و بیشتر از او دانستم، حمیدرضا را آدم متفاوتی بدم. هرگز در زندگیش لباس ریا نپوشید. دروغ نگفت. تهمت نزد. عیوب دیگران را فاش نکرد. فخر نفروخت. از ظاهرسازی و نیرنگ بازی دور بود. غش در معامله نداشت. سرگام خشم دید، برآشفتم. در اندیشه اش خدا بود و کمک به خلق خدا. روزی از غیر خدا طلب نکرد. برق در عشوه‌گری‌های دنیا نشد. آن او شد. خدایی شد. شهید شد. جوانی با مسئولیتی که بر اثر دوری از گناه، آسمانی شد. اما زمانی که در زمین می‌زیست، سخت در تلاش و تکاپو بود و اعتقاد داشت کار و تلاش روحیه و بدن انسان را صیقل داده و به هدف می‌رساند. حال آن هدف هر قدر هم سخت و دست نیافتنی باشد، نیروی اراده و تلاش انسان، رسیدن به آن را سهل و آسان می‌نماید. هر چه خواستید، کافی است آرزو کنید. سپس با بیداری و کلنگ اراده، راه‌های صعب‌العبور رسیدن به آن را هموار کنید. آن وقت است که هدف را نشانه رفته‌اید و آن را در آغوش دارید.

این افکار از کسی که در دهه چهل تا پنجاه زیست و در دهه شصت شهید شد، بسیار جذاب و ماندگار است. حمیدرضا نظام هنرمند بود و باید بیشتر روی متن و ابعاد شخصیتی او کار می‌کردم.

بخشی از زوایای شخصیت حمیدرضا را از طریق دست‌نوشته‌های محدودش یافتیم. برخی دیگر را از طریق مصاحبه با مادر، برادران و هم‌زمان شهید حمیدرضا نظام به دست آوردم. چندین حلقه فیلم هم درباره فعالیت‌های تلویزیونی او به

دستم رسید و تصمیم گرفتم زندگی این شهید را در قالب زندگی نامه داستانی و از زاویه دید مادر گرامی اش در هفده فصل بنویسم.

من تلاش کردم تا کمی از همت والای او و اراده شکست ناپذیرش را در این کتاب پیش روی شما خوانندگان عزیزم قرار دهم. به همین منظور بارها این متن را بازنویسی کردم و دور ریختم و هر بار خواندم و با خودم گفتم هر وقت نوشته هایت، خودت را راضی کرد، مخاطب تو هم تا آخر این کتاب را می خواند. ناگفته نماند که تا سرهم بسیار با من همراهی کرد و با این که این کتاب را دیرتر از موعد مقرر تحویل دادم، بر من خرده نگرفت و با رویی گشاده پذیرفت. در این راه پدر و مادرم به من لطف زیادی کردند. امیدوارم که از فرزند خود راضی باشند.

با سپاس از آقای، ناهدی برای مشاوره این کتاب، مادر گرامی، خواهر، برادران و هم رزمان شهید. ویراسار محترم کتاب.

بارالها! از تو برای خودم و همه بندگان، مخصوصا مسلمانان سرتاسر جهان، می خواهم پاکی طینت، پاسایی، بهیژگاری، نظم در امور، پاکدامنی و بزرگواری را. دل های مان را پراز مهر خدایت کن ای مهربان یارب العالمین.

محبوبه معراجی پور

دی ماه ۱۳۹۴